

عَشِيسَ به خانه و شَه در حرمسرا خفته است
دلَم به شَبْتَه و سَجاده و رِدا لرزد
که دزد مر حله بیدار و پارسا خفته است

این درد، یعنی بی‌توجهی مقدس مآبان به واقعیات زندگی و به هجوم جهانخواران، همان دردی است که بعدها سیدجمال و محمد عبده مطرح کردند. در شعر غالب تب و تاب زهائی جوئی و لحنی حماسی توأم با یادآوری موارث ایران قدیم وجود دارد. ایران و اسلام و تشیع بیشتر مورد توجه غالب است تا هند.

شهرت غالب بیشتر به سبب اشعار اردویش است، اما خود وی اشعار فارسی اش را بر اشعار دیگر ترجیح می‌داد و خود را متعلق به فرهنگ ایران می‌دانست:

غالب ز هند نیست، نوایی که می‌کشیم

آری ز اصفهان و هرات و قُصیم، ما

غالب آثاری به نظم و نثر دارد: *آرزوی مُشکلی* که مجموعه نامه‌های او به اردو است؛ *باد مخالف* یا *آشتی نامه*، *مثنوی بر وزن خسرو و شیرین*؛ *باغ دو در* یا *سبب باغ دو در*؛ مجموعه نظم و نثر؛ *بیاض غالب*؛ *تضمنین گلستان*؛ *تیغ تیز*، رساله‌ای است در جواب مؤید برهان احمد علی شیرازی، که در ۱۸۶۷م تألیف شد؛ درفش *کاونانی* در تکمیل *قانع برهان*، فرهنگ نویسی و اشتباهات لغوی؛ *دعاء الصّباح*، که ترجمه منظوم *دعاء الصّباح* منسوب به حضرت علی (ع) است؛ *دیوان اردو*، این دیوان بارها به نام *مُترجم جُتایی*، به چاپ رسیده است. *زباعتیات غالب*، در نثر فارسی؛ *ساقی نامه*؛ *سیدچین* یا *سید چمن*، در قصاید و غزلیات؛ *سؤالات عبدالکریم*، ردی است بر *مُحرق قانع برهان* از سید علی مُشقی؛ *عود هندی*، در ۱۳۷ نام؛ *رساله نو بانگ*؛ *قادر نامه*؛ *قانع برهان*، نقد و بررسی فرهنگ *برهان قانع* حسین خُلف تبریزی است؛ *قطعه غالب*، در ردّ *مؤید برهان*؛ *کلیات نثر فارسی*، که شامل *تیغ آهنگ*، *مهر نیمروز* و *دستبوی* است. *تیغ آهنگ* توسط میرزا علی بخش رنجور گردآوری شده است. *مهر نیمروز* مجموعه حکایت‌های تاریخی است در دو جلد، که چندین بار از جمله به کوشش عبدالشکور حسن در ۱۹۶۹م در لاهور به چاپ رسیده است. غالب، دستبوی را به درخواست بهادرشاه دوم نوشت. این کتاب در رویدادها و نابسامانی‌های روزگار او و در واقع زندگی نامه خود او است؛ *کلیات نظم فارسی*، جلد یکم کلیات غالب با پیشگفتاری از سید مرتضی حسین فاضل لکنهویی در ۱۹۶۷م در لاهور به چاپ رسیده است؛ *گل رعنا*، به نثر؛ *لطائف غیبی*، در ردّ *مُحرق قانع برهان*؛ *تأثیر غالب*، در ۳۲ نامه فارسی؛ *مُترجمات غالب*، نامه‌های فارسی

او است و مسعود حسن صاحب رضوی آنها را گردآوری کرده است؛ *مثنوی ایر گهریار*، مؤلف می‌خواسته جنگها و معجزات پیامبر (ص) را به پیروی از *تسه نامه* فردوسی بسراید، اما تنها تمهیداتی از آن را سروده و ناتمام گذاشته است. *مثنوی رنگ و جو*، در داستان یکی از خسروان هند؛ *تادرات غالب*؛ *نامه غالب* در ردّ *ساطع برهان* میرزا رحیم بیگ، *میرتهی*؛ *نیکات و زُفعات*، یا *مکاتیب* یا *مُتَشکات* به نظم و نثر.

منابع: *احوان و آثار میرزا اسدالله خان غالب*، محمد علی فرهاد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد پاکستان، ۱۹۷۷م؛ *اردو غزلیات غالب*، مرتبه یوسف حسین خان، مؤسسه غالب شناسی، دهلی نو؛ *انتخاب فارسی غزلیات غالب* (با ترجمه انگلیسی)، یوسف حسین؛ *برهان قانع*، مقدمه، *تاریخ ادبیات مسلمانان پاکستان و هند*، ۸۲/۳؛ *تاریخ تفکر اسلامی در هند*، ۱۴۴؛ *تاریخ زبان و ادبیات ایران در خارج از ایران*، ۱۳۴؛ *تذکره بی نظیر*، ۱۰۰؛ *تذکره فارسی گو شعرای اردو*، ۱۶۲؛ *تذکره نویسی فارسی در هند و پاکستان*، ۵۸۵؛ *ترجمه‌های متون فارسی به زبانهای فارسی و به زبانهای پاکستانی*، ۱۷۹ به بعد؛ *جرنل*، ۱۱۴؛ *دایرة المعارف فارسی*، مصاحب، ۱۷۹۹/۲؛ *دیوان غالب*، اسدالله غالب، به اهتمام شاهد ماهلی؛ *الذریعة*، ۷۸۴/۱۹؛ *سرود آزاد*، ۲۲۰؛ *سینه هندی*، ۱۴۸؛ *شمع انجمن*، ۳۴۷؛ *غالب اور انقلاب ستاون*، دکتر سید معین الرحمن، مؤسسه غالب شناسی؛ *غالب نامه*، مؤسسه غالب شناسی؛ *فرهنگ نویسی در هند و پاکستان*، ۱۳۶؛ *فهرست کتابهای چاپی فارسی*، ۱۳۹/۱ به بعد، ۲۰۹/۲، ۱۲۲/۴ به بعد؛ *فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان*، ۱۹/۵، ۱۲۳/۳۸، ۵۸۸/۱۰؛ *مجموعه سخنرانیهای نخستین کنگره پیوستگی‌های فرهنگی ایران و شبه قاره*، ۳۴۱/۱۸؛ *مقالات الشعرا*، ۴۵۹؛ *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی*، ۵۵۲/۱؛ *میخانه آرزو*، شرح احوال بررسی آثار و گزیده اشعار غالب دهلوی، محمد حسن حائری؛ *یادگار غالب*، مرتبه الطاف حسین حالی، مؤسسه غالب شناسی؛ *سید وحید اشرف*، «رباعیات فارسی غالب»، *دانش*، شماره ۱۶، زمستان ۱۳۶۷، صص ۱۰۳ - ۱۲۴؛ *علوی مقدم*، «غالب کی است»، *همانجا*، شماره ۱۷، بهار و تابستان ۱۳۶۷، ص ۹؛ *شهریار نقوی*، «میرزا اسدالله خان غالب دهلوی»، *وحید*، سال ۱۶، شماره ۷، ۱۳۴۸، ۵۵۹ - ۵۶۶؛ *راهنمای کتاب*، سال ۱۰، شماره ۳، ۱۳۴۶، ۲۸۰. حسن انوشه - علیرضا ذکارتی قراقرلو

غالبه ← غلاة

غایب، کسی که حضور ندارد. در اصطلاح عرفانی کنایه از کسی است که از حق پوشیده است و از فیوضات پیرو مبرشد

فقه الغاية ودورها في الشرع الإسلامي

د. خالد بن سعيد بن يوسف تفوشيت

(أكاديمي من ليبيا، ومحاضر في معهد العلوم الشرعية،
سلطنة عُمان)

Gaiye
070021

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمة

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على أشرف المرسلين، سيدنا مُحَمَّد وعلى آله وصحبه أجمعين.

ويعد؛

فقد تضافرت الأدلة والشواهد على حقيقة مقاصدية التشريع الإسلامي في أحكامه وتعاليمه، فهو منطوق على مقاصده في الخلق، وغاياته في الوجود، وأسراره وحكمه في حياة الناس وأحوالهم، ويلمس الناظر ذلك من خلال تشريعاته على اختلافها، ثمّة تشريعات يستفاد منها المعنى المذكور بشكل مباشر وصريح، وثمة أخرى يتبين من عللها التي أشير إليها صراحة أو قدرت فهماً مراعاة الشارع الحكيم لها، وأنه إنما يهدف من تشريعه إلى تحقيقها.

وقد اصطلح على تسمية تلك الغايات والأسرار والحكم (بمقاصد الشريعة)، التي هي أمر ثابت وأصل مقطوع به، أو تكاد تصل إلى القطع، ويلزم استحضارها والالتفات إليها في عملية الاجتهاد الفقهي، وفي بيان الأحكام وتطويرها والترجيح بينها.

فالأحكام الشرعية عند العلماء جملة وتفصيلاً متضمنة لمقاصدها وغاياتها، ومنطوية على مصالح الخلق وإسعادهم في الدارين، سواء أكانت هذه المقاصد حكماً ومعاني جزئية تفصيلية، أم كانت مصالح ومنافع كلية عامة، أم كانت سماتٍ وغاياتٍ كبرى تحيط بأبواب وأحكام شتى.

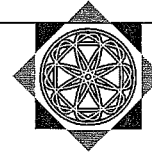
وتشكّل الأحكام بمقاصدها وغاياتها المختلفة النظام الشامل، والنسيج الأصولي المتناسق، فهي ضرورية لازمة للفقهاء وغيره كضرورة النصوص نفسها، ومن ثمّ يجب عليه أن يستحضره

سلسلة
التدويع

اعمال ندوة تطور العلوم الفقهية

النظريات الفقهية والنظام الفقهي

16 Ekim 2016



Türkiye Diyanet Vakfı İslam Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Dem. No:	239857
Tas. No:	277-5 AMAY

المنعقدة خلال عام:

15 - 18 جمادى الأولى 1433 هـ / 7 - 10 / 2012 م

1934/2013 Oman

LAADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

K2m

1 KASIM 1991

madde : G0102

A. Br. : c. , s.

B. L. : c. VII , s. 4398

F. A. : c. I , s. bk. Vci, Gikar, Hoolan meshk, Zrek
(Kavramlar B=1)

M. L. : c. 18 , s. 953

T. A. : c. , s.

- Gazzali
- Gayyret
- Nizam

Ilhan Yıldız; "Gazzali'de Gaye ve Nizam Delili", 1993, 84 s.
Danışman: Yrd.Doç.Dr. Vahdettin Başçı.

Atatürk Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü
Felsefe ve Din Bilimleri Anabilim Dalı
...Master.....Tezi.

**MADDE YAYINLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN**

27 NİSAN 1996

الغرائز

-Gazali

الهدى الى موضوعات نهج البلاغة
٤١٩ - ٤٢٠

13 NISAN 1995

401

070021

GÀİYYET

1 GÜNAY HARAL, İslam ve Hristiyan ilahiyatında gaye ve nizam delili metodik bir yaklaşım, Marmara Üniversitesi, Doktora, 2005

2 ADNAN GÜRSOY, İbn Sina'nın gayeci anlayışı, Ankara Üniversitesi, Yüksek Lisans, 2003

AL-HADIS

An English Translation & Commentary
OF

Mishkat-ul-Masabih

(Containing sayings, doings and teachings of the Holy
Prophet and events before and after Resurrection)

With

Suitable arrangements into Chapters and Sections

By

AL-HAJ MAULANA FAZLUL KARIM

BOOK I

Garaz

Tithe	8354-1
...	297.334
Tasbeeh	FAZ-H

Malik Sirajuddin & Sons

Publishers, Lahore-8 (Pakistan)

أرذل العمر و أعوذ بك
و عذاب القبر -

عن أبي هريرة قال قال
صلى الله عليه وسلم ما في الرجل شخ
خالع -

عن يعلى قال إن
استيقا إلى رسول الله فضعه
إن الولد مبخله مجبنة -

only qualities for which a
brave man is a help for
the way of Allah he can
companions of the Holy
rarest of men, both in
actions. In the battle
surrounded by a compact
height of catastrophe, he
owning at death, thereby
ed in the history of the
completely routed them
companions were routed,
ally round him thereby
sition in the battle-field.
Medina, the Prophet sent
and Ali and Abu Bakr
bitterest foes. This is
When the Prophet was
light of the flight from

Mecca, he was followed by his enemies up to the cave on the follow-
ing day with drawn sword. He consoled his friend Abu Bakr by say-
ing "Do not be grieved for God is with us" (9 : 50Q). In a certain
journey while resting alone under a tree, an enemy came to attack
the Prophet but he stood undaunted before him saying that God would
save him. Soon the sword fell down from the hand of the enemy
(4 : 198). So it appears that bravery and courage where it is needed
should be shown without the least sign of cowardice. The term of
life is fixed. Therefore it is no use to be fearful of life. When the
appointed time will come, life will expire but before its hour the whole
world will not be able to do any harm to it Belief in this article
of faith gives courage and strength of mind.

SECTION 28

408—Malice and Hatred.

(a) Malice and hatred are the evil attributes in a man which
suck up the life-blood of virtues in him. They are residing in the
secret recess of human heart and burn it like the burning of coal
under heaps of refuges. They make the virtuous action void, as
white ants destroy the finest grains. Hatred is a key to evils. When
anger remains unsatisfied in human heart, it finds entrance there and
generates malice It is therefore a fruit of anger. Malice produces
eight evil attributes in a man. (1) A malicious man feels joy at
the sorrows of his opponent and sorrows at his happiness; (2) he
renounces and hates his opponent, even though he comes to him
to love him; (3) he brings his opponent lower in the estimation
of the people by damaging his honour and respect; (4) he holds
him little before the public by way of backbiting him and disclosing
his secrets; (5) he scorns and laughs at him; (6) he does not hesitate
to inflict bodily injury on his opponent; (7) he denies the rights
and dues of his opponent; (8) he does not pray for him, nor does
he show him right path. Those who are truthful do justice in
such cases to their opponents and show kindness to them. Those
who are pious pardon the faults of their opponents. Only the
ignoble take recourse to the above evil virtues against the man for
whom they bear malice and hatred. The Holy Prophet said : Don't

87304

T.C.
MARMARA ÜNİVERSİTESİ
SOSYAL BİLİMLER ENSTİTÜSÜ
TEMEL İSLAM BİLİMLERİ ANABİLİM DALI
İSLAM HUKUKU BİLİM DALI

İSLAM HUKUKUNDA

GAYE

PROBLEMİ

20 MAYIS 2003

MADDE YAYINLAMA MERKEZİ
SAYDA REZİTİS İNİSTİTAN

DOKTORA TEZİ

Ertuğrul BOYNUKALIN

Türkiye Diyanet Vakfı İslam Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Kitap No:	87304
Yazar No:	297.501 Boy.İ

DANIŞMAN :

Prof.Dr. Hayrettin KARAMAN

169788



سلسلة الرسائل الجامعية

- ٦١ -

المملكة العربية السعودية
وزارة التعليم العالي
جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية
عمادة البحث العلمي

Gaiyyet (70021)

MADRE... RTAN

الغاية عند الأصوليين وأثرها في الفقه

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Dem. No:	169788
Tas. No:	

إعداد

د. يوسف بن حسن بن عبد الرحمن الشراح

١٤٢٦هـ - ٢٠٠٦م

ديناد

Garyet

الغائية

لعلية العلة الفاعلية، ومعلولة لها في الوجود»
ومعنى التعريف باختصار: أن الغاية - مطلق
غاية - علة باعثة للصانع على صنع الشيء،
فهى علة لعلية الفاعل، وهى - فى الوقت
نفسه - معلولة لعلية الفاعل باعتبار تشخصها
فى غاية معينة كالجلوس، دون النوم، مثلاً.

ويمثل القول بالغائية المذهب العقلى
الصحيح فى تاريخ الفلسفة والتفلسف؛ أولاً:
لأن التأمل فى ظواهر الكون المحسوسة
كاشف عما وراءها من نظام وعناية بالغة،
وقاصد بأن فاعلها قاصد - حتماً - إلى غاية،
وثانياً: لأنه لولا اعتبار الغاية فى الأفعال
لاستوى الفعل وعدم الفعل ولما أمكن تصور
لماذا يفعل ولماذا لا يفعل، ولأصبحت الأفعال
محض صُدْفَ واتفاقات، وأصحاب هذا
الاتجاه - منذ أرسطو وحتى العصر الحديث -
لا يثبتون «الغايات» عللاً فى الأفعال فقط بل
كثيراً ما يرونها عللاً - أحياناً - فى وجود
أجزاء من الفاعل، مثل: «الطيران»، فهو وإن
كان غاية لأجل وجود الجناحين فى الطائر،
فهو - فى الوقت نفسه - علة فى وجود
الجناحين؛ إذ لولا الطيران لما كانت حاجة
إليهما. والشيء نفسه يقال بالنسبة للعين
والرؤية، والأذن والسمع، وما إليهما..
والقائلون بالغائية ينفون نفيًا قاطعاً أى
احتمال للصدفة أو العبث أو الاتفاق فى
حوادث هذا الكون من الذرة إلى المجرة،
ويفردون فى مطولاتهم الفلسفية مقالات
بعينها يبطلون فيها القول بالاتفاق⁽¹⁾.

اصطلاحاً: دليل أساسى من أدلة إثبات
الألوهية بوجه خاص، والدين بوجه عام،
يسميه الفلاسفة الغربيون دليل العلة الغائية،
والفلاسفة المسلمون يسمونه دليل الحكمة
ودليل النظام. وللقرآن الكريم عناية خاصة
بلفت أنظار العقول إليه، وبعضهم يسميه:
«دليل القرآن»، إذ كثير من آياته الكريمة
تدور حوله ويعنى الدليل الغائى أن النظر فى
تركيب العالم يقتضى تحقيق حكمة أو غاية
يعمل من أجلها الكون، كما يقتضى إثبات
صانع حكيم مدبر لهذا النظام ويعده
الفيلسوف الألمانى «كانت» أوضح الأدلة
وأقواها فى البرهنة على وجود الله تعالى.

والغائية واحدة من العلل الأربع المعروفة
فى الفكر الفلسفى، والمأخوذة من النظر فى
علاقة «الاحتياج» بين الشيء وغيره، وهى
علاقة ضرورية لا تحتاج إلى استدلال:
فالمحتاج إليه نسميه علة، والمحتاج يسمى:
معلولاً، والعلة قد تكون جزءاً من المعلول
كالخشب بالنسبة للكرسى - مثلاً -، وتسمى:
علة مادية؛ وكالصورة التى يأخذها شكل
الكرسى، وتسمى: علة صورية؛ وقد تكون
العلة أمراً خارجاً عن ذات المعلول، فإن احتاج
إليها المعلول فى وجوده سميت: علة فاعلة؛
كالنجار فى مثالنا هذا؛ وإن احتاج إليها كغاية
صُنِعَ من أجلها سميت: علة غائية؛ وهى
تسبق المعلول ذهنًا، وتعقبه وجوداً.. وقد
عرّف ابن سينا العلة الغائية بأنها: «التي
لأجلها الشيء، أو الفعل، وهى علة بماهيتها

مراجع للاستزادة:
 - FRANZ LENNARTZ, Deutsche Dichter und Schriftsteller unserer Zeit (Stuttgart 1963).
 - GLASER, LEHMANN & LUBOS, Wege der deutschen Literatur (Berlin 1963).

■ الغائية

الغائية teleology- finality هي النظرية التي تزعم أن كل ما في الطبيعة وما يجري فيها من عمليات إنما يتوجه إلى تحقيق غاية معينة، فالغائية هي علم الغايات؛ إذ ترى أن العلة هي الكامنة وراء أنواع التغيرات كلها، حتى السلوك الإنساني الأكثر عقلانية يفسر عامة بأنه خاضع لتأثير الغاية، والطبيعة أيضاً خاضعة للغاية، إلا أن الغاية فيها مزروعة بطريقة غير واعية، أما الإنسان فإنه يحدد غايته بطريقة واعية.

وترتبط الغائية بمذهب حيوية المادة ونظرية الأرواحية ومذهب وحدة الوجود [ر]. وتزعم أن مبدأ الحياة والوجود يكمن في المادة كونها تتألف من ذرات حية لها قدرة غامضة على التخيل. إن الغائية تسعى لتفسير الرابطة الكامنة الكلية بين الظواهر الطبيعية جميعها التي تخضع للقانون، فالمذهب الغائي هو المذهب المقابل للمذهب الآلي، ويُطلق على كل نظرية تعلق ظواهر الوجود بالأسباب الغائية، فإذا تناولت ظواهر الحياة سُميت بالمذهب الحيوي، وإذا شمل التحليل الغائي ظواهر الوجود جميعها سمي بالمذهب الغائي الكلي.

وكان أرسطو أول من عرف الغائية، وقال إنها المبدأ الذي تتحرك الأشياء بمقتضاه نحو تمام صورها، التي هي وجودها بالفعل، وكل ما في الطبيعة يخضع لغاية واحدة أسمى. وبهذا وضع أرسطو أول مذهب غائي متماسك،

وكان له أثر متميز في لاهوت الأكويني وفلسفة لايبنتز [ر] وهيغل [ر] وهايدغر [ر].

المذهب الأرسطي يقوم تماماً على الغاية، فالفكرة المحورية في فلسفته هي الهيولى والصورة، وهي الفكرة الأساسية في مفهوم الجوهر [ر]، عماد الفلسفة الطبيعية والميتافيزيقية عند أرسطو، ويقوم على ثلاثة مبادئ، أهمها المبدأن المتمثلان في المادة والصورة، فالصورة التي ينبغي الوصول إليها في عالم ما بعد الطبيعة عند أرسطو هي ما يكون ماهية الأشياء الطبيعية، ومن ثم الصورة النهائية لكل هذه الماهيات هي صورة الصور أي المحرك الأول الذي لا يتحرك.

يسمي أرسطو الصورة بالكمال، والكلمة من حيث اشتقاقها باليونانية تدل على الغاية إذ تعني: ما يكون حاصلًا على الغاية أي ما يكون حاصلًا على الصورة، فالصورة هي الكمال بمعنى أنها غاية الحركة، والموضوع النهائي للحركة هو حصول المادة على الصورة متسلسلة من صورة إلى صورة أعلى حتى الوصول إلى صورة الصور. لقد فسر أرسطو الحركة بمعنى الانتقال من المادة إلى الصورة مستنداً إلى مفهوم الغائية، فغاية المادة الصورة، وتسعى المادة إلى الإتحاد بها والانتقال من صورة إلى صورة، من الوجود بالقوة إلى الوجود بالفعل، وتستمر المادة في الانتقال من صورة إلى صورة أعلى حتى تصل إلى الصورة

النهائية، وفي هذه الحال لن يكون المحرك الحاصل على صورة الصور باطناً في الأشياء وإنما لا بد أن يكون شيئاً تميل الأشياء إلى أن تتحقق على أساسه، ومن هنا كان المحرك الأول الذي لا يتحرك عالياً، ويتصل بالعالم عن طريق عشق الموجودات إيّاه، ومن ثم فهو الغاية النهائية التي تسعى الموجودات إليها. فالغائية عند أرسطو لا تخص الكائنات الحية فحسب، وإنما الجمادات أيضاً لها نصيب من هذه الغائية، فالطبيعة بكل ما فيها من ظواهر وكل ما تحتوي من كائنات حية وكائنات غير حية محكومة بالغائية، وهذه الغائية كامنة في طبيعة الشيء، فهي ليست شيئاً خارج الكائن الحي و غير الحي وإنما هي توجهه من الباطن. وتتجلى الغائية أيضاً في فلسفته الطبيعية في مبدأي القوة والفعل، بوصف الفعل كمال القوة وغايتها.

ويقوم مبدأ الغائية على أن كل ما هو موجود إنما هو موجود ويفعل من أجل غاية ما، والغايات الجزئية في العالم مرتبطة بغاية كلية واحدة، وقد استخدم هذا المبدأ لدى فلاسفة عدة لإثبات وجود الله، وهذا ما أطلق عليه اسم البرهان الغائي. ويقوم هذا البرهان في جوهره على الانطلاق من العالم الطبيعي وما فيه من ترتيب ونظام وعناية للتوصل إلى إثبات أن وراء هذا العالم غاية واحدة؛ إذ إنه من المستحيل أن تتوافق أشياء مختلفة في نظام واحد إذا لم توجد علة هي التي